



هفت شهر کتاب

پنجاه گفتار در زمینه مردم شناسی، تاریخ و ادبیات

سیدعلی آل داود





هفت شهر کتاب، دومین مجموعه مقالات نویسنده در باب مباحث تاریخی، اجتماعی، ادبی و مردم‌شناسی است؛ مجموعه نخست با عنوان هفت اقلیم متضمن بیش از یکصدوپنج مقاله در موضوع کتاب‌شناسی و نقد کتاب بود که چند سال پیش از سوی انتشارات امیرکبیر منتشر گردید. کتاب حاضر نیز متضمن نزدیک به پنجاه مقاله است که پیش از این در مجلات معتبر کشور چون نامه فرهنگستان و نشر دانش به طبع رسیده و در این اثر برای دستیابی بهتر به صورت یکجا تجدید چاپ می‌گردد.

سیدعلی آل داود، در سال ۱۳۳۱ در خور بیابانک - شهری در حاشیه کویر مرکزی ایران - دیده به جهان گشود؛ تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان جا و سال آخر را در دبیرستان ادب اصفهان به انجام رساند و وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد. وی پس از اتمام به تحصیل در رشته جامعه‌شناسی پرداخت، اما آن را ناتمام رها کرد. آل داود در زمان تحصیل در دانشگاه تهران، چند سالی به کار در بنیاد فرهنگ ایران پرداخت و پس از انقلاب از آغاز سال ۱۳۶۵ به عضویت هیئت علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی درآمد. از او تاکنون بیش از ۳۲ جلد کتاب و ششصد مقاله به چاپ رسیده است که از آن جمله می‌توان به تاج‌القصص (۲ مجلد)، اسناد و نامه‌های امیرکبیر (۲ مجلد)، هفت اقلیم کتاب، مجموعه آثار پیمای چندی (۲ مجلد) و مقالات متعدد در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، مجله نشر دانش و دانشنامه ایرانیکا اشاره کرد.

ISBN: 978-964-00-1548-3



9 789640 015483

۱-۹۳۱۰۱-۲

۱۰۱۲

بها: ۲۵۰۰۰۰ ریال



هفت شهر کتاب

پنجاه گفتار در زمینه مردم‌شناسی، تاریخ و ادبیات

نوشته

سیدعلی آل‌داود



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۳

سرشناسه: آل داود، سیدعلی، ۱۳۳۱-
عنوان و نام پدیدآور: هفت شهر کتاب: پنجاه گفتار در زمینه مردم‌شناسی، تاریخ و ادبیات/ نوشته سیدعلی آل داود.

مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۶۰۰ ص: مصور.

شابک: 978-964-00-1548-3

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: پنجاه گفتار در زمینه مردم‌شناسی، تاریخ و ادبیات.

موضوع: مقاله‌های فارسی -- قرن ۱۴.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ۷ هـ ۷۴۵ ل/ ۷۹۴۱ PIR

رده‌بندی دیوبی: ۴/۶۲ فا ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۳۶۶۵۹

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۵۴۸-۳



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵۴۱۹۱

هفت شهر کتاب: پنجاه گفتار در زمینه مردم‌شناسی، تاریخ و ادبیات

© حق چاپ: ۱۳۹۳، مؤسسه انتشارات امیرکبیر www.amirkabir.net

نوبت چاپ: اول

نویسنده: سیدعلی آل داود

حروف متن: میترا ۱۳

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: چاپخانه سپهر، تهران، خیابان ابن سینا (بهارستان)، شماره ۸۸

شمارگان: ۳۰۰

بها: ۲۵۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

پیشگفتار..... ۹

بخش اول: تحقیقات ادبی و متن‌شناسی

کهن‌ترین داستان پیامبران به زبان پارسی.....	۱۳
امام فخر رازی در تبریز.....	۳۳
قصیده ابوالمفاخر رازی منسوب به امام فخر رازی.....	۴۰
پیدایش و زوال جهان به روایت یک کتاب کهن نجومی.....	۵۲
سیمای شهر تبریز در قرن هشتم به روایت سفینه تبریز.....	۶۳
بررسی سندی نویافته از سفینه تبریز.....	۶۷
ترجمه کهن وصایای افلاطون و فیثاغورس به فارسی.....	۷۴
شاعران زن در عرفات العاشقین.....	۸۲
آخرین بازمانده خاندان آل صاعد.....	۹۶

بخش دوم: پژوهش‌هایی در مردم‌شناسی، تاریخ و حقوق ایران

وصف گروه‌های اجتماعی در شیراز یک‌صدسال پیش.....	۱۰۳
تاریخچه آیین دادرسی در ایران.....	۱۱۵
رساله‌ای کهن در حقوق اساسی و اداری ایران.....	۱۲۴
برگی از تاریخ ثبت اسناد در ایران با نگاهی به دفتر اسناد شیخ فضل‌الله نوری.....	۱۵۱
کاتب، اجیر کتابفروش.....	۱۶۲
گزارش و تصویر از روسیه یک‌صدوشصت سال پیش.....	۱۶۸
نگاه اجمالی به اسناد و نامه‌های امیرکبیر.....	۱۷۹
دو نامه از دکتر مصدق در باب تعمیر بیمارستان نجمیه.....	۱۸۵

بخش سوم: تحقیقات مردم‌شناسی و تاریخی در ناحیه خور و بیابانک

۱۹۱	حوادث عصر مشروطه در مناطق مرکزی ایران
۲۰۰	مهاجرت گروهی از ایل کلهر به خوریابانک
۲۰۷	اسناد سیاسی و فرهنگی جندق و بیابانک در مجموعه بیوتات
۲۳۴	نامه منتخب‌السادات جندقی به ملک‌الشعراى بهار درباره واقعه نایب حسین کاشی
۲۳۶	فرمانروایی مسعود لشکر در جندق و بیابانک
۲۴۶	بازی‌ها و سرگرمی‌های کودکانه یک‌صدسال پیش در خوریابانک
۲۵۵	گلگشت و تفرج در خوریابانک
۲۶۱	عقدنامه‌ای کهنه با سبکی نو
۲۶۶	سودایی بیاضه‌ای جندقی
۲۷۰	مستمری یغمای جندقی از دیوان قاجار
۲۸۴	مرثیه‌سرایی و نوحه‌خوانی در دوره قاجار

بخش چهارم: ۱. حقوق نشر ۲. درگذشت معاصران ۳. چند گزارش

۳۱۳	دستبرد ناشر به میراث مؤلف
۳۱۷	ثبت و تملک کتب و اسناد خطی نادر طرحی ناهماهنگ با واقعیات و منافع ملی
۳۲۲	زندگی‌نامه حبیب یغمایی از ولادت تا نوجوانی
۳۲۸	اجمالی از زندگی و خدمات حبیب یغمایی
۳۳۳	حبیب یغمایی در دنیای مطبوعات
۳۳۸	درگذشت دکتر شرف‌الدین خراسانی
۳۴۰	شصت سال با کتاب نگاهی به زندگی و آثار اقبال یغمایی
۳۴۶	سه نامه درباره ویس و رامین (از مجتبی مینوی و محیط طباطبایی)
۳۵۱	گزارش دو سمینار
۳۶۰	ضرورت تدوین فهرست جامع نسخه‌های خطی فارسی در تاجیکستان

بخش پنجم: نقد و معرفی کتاب

۳۶۹	پژوهشی مفصل در تهران‌شناسی
۳۷۵	کتاب‌شناسی موسیقی ایرانی
۳۷۸	فهرست توصیفی مقالات جشن‌نامه‌ها و یادنامه‌ها

بخش ششم: چند رساله و منظومه تاریخی و ادبی

۳۸۳	انتخابات زنجان در مجلس چهارم (رساله منتشرشده‌ای از علامه دهخدا)
-----	---

.....	اختناق کاشان در انتخابات دوره ششم مجلس	۳۹۹
.....	منظومه‌ای در نکوهش تنباکو	۴۳۲
.....	روزنامه اتفاقیه شاهرود و بسطام در ۱۲۹۳ ه‍.ق	۴۳۹
.....	نوشته‌ای درباره عباس میرزا	۴۴۸
.....	نزع استبداد و واپسین تشنجات آن (سید محمدعلی جمالزاده)	۴۵۲
.....	برگزیده اعجوبه و محبوبه داستان عامیانه کهن فارسی (اوایل قرن هفتم هجری)	۴۶۱
.....	فرهنگ واژه‌های عامیانه (در دوره قاجار)	۵۰۳
.....	تزویج‌نامه (آیین زن خواستن در دوره قاجار)	۵۲۷
.....	شاهنامه هاتفی خرچردی (حماسه فتوحات شاه اسماعیل صفوی)	۵۵۰

پیشگفتار

چند سال پیش، نخستین مجموعه مقالات و نوشته‌های نگارنده تحت عنوان *هفت اقلیم کتاب* انتشار یافت. آن کتاب حاوی حدود ۱۰۵ مقاله و نوشته بود که اکثر آن‌ها قبلاً در نشریات *نامه فرهنگستان* و *نشر دانش* به چاپ رسیده بود و سپس گردآوری و در چند بخش گوناگون تدوین یافت.

اینک دومین مجموعه مقالات من با حجم اندکی کمتر انتشار می‌یابد. مجلد نخست بیشتر مشتمل بر نوشته‌ها و پژوهش در نقد کتاب و یا معرفی نسخه‌های خطی بود، اما اثر حاضر به‌رغم حجم کمتر حاوی موضوعات متنوع‌تری است و به‌خصوص دربرگیرنده مقالاتی در حوزه مردم‌نگاری است. نویسنده البته دانش‌آموخته مردم‌شناسی و مردم‌نگاری نیست، اما به این مباحث علاقه‌مند است و همواره اهمیت آن را درمی‌یابد و نوشته‌های مربوط به این قسمت صرفاً نشان‌دهنده علاقه زایدالوصف او به این‌گونه پژوهش‌هاست.

کوشیده‌ام در هر مقاله و نوشته، مطلب تازه‌ای عرضه شود. از بازگویی پژوهش‌های انجام‌شده و تکرار سخنان دیگران همواره پرهیز داشته‌ام. البته استناد به آثار دانشمندان و پژوهشگران برجسته معاصر را، برای روشن شدن زوایای تاریک برخی زمینه‌ها ضروری دانسته‌اند و من نیز از این روش استقبال کرده‌ام.

این مجلد موسوم به *هفت شهر کتاب* و حاوی شش بخش است: بخش اول تحقیقات ادبی و متن‌شناسی و مشتمل بر نه مقاله است. نخستین مقاله در معرفی کتاب *تاج‌القصص* - کهن‌ترین اثر فارسی در قصه‌های پیامبران است. پس از نشر این مقاله، اصل کتاب را به اهتمام فرهنگستان زبان و ادب فارسی در دو مجلد منتشر کرده‌ام. دو مقاله دیگر این بخش هم به بررسی کتاب مهم *سفینه تبریز* اختصاص یافته و شکل منظم شده و مکتوب سخنرانی‌های نگارنده در باب آن کتاب است. بخش دوم، پژوهش‌هایی در مردم‌شناسی، تاریخ و حقوق ایران نام گرفته و مشتمل بر هشت مقاله است. بخش سوم، تحقیقات مردم‌شناسی و تاریخی در ناحیه خور بیابانک؛ نویسنده

از دیرباز در باب زادگاه خود مقالاتی انتشار داده و گزیده آن‌ها را در این بخش جای داده است. بخش چهارم، حقوق نشر و درگذشت معاصران؛ در باب حقوق نشر و تکالیف ناشران و مؤلفان در برابر یکدیگر، تاکنون مطالب اندکی انتشار یافته، دو مقاله از ده مقاله این بخش به مطلب فوق اختصاص یافته است. بخش پنجم، نقد و معرفی کتاب و کوتاه‌ترین قسمت کتاب و تنها شامل نقد و بررسی سه اثر است. بخش ششم، چند رساله و منظومه تاریخی و ادبی، مفصل‌ترین بخش کتاب است و در آن ده رساله، منظومه و یا نوشته کوتاه همراه با مقدمه و تعلیقات آورده شده است. بیشتر این رساله‌ها سابقاً به‌عنوان ضمیمه‌نامه فرهنگستان انتشار یافته است.

نویسنده این سطور، جز مقالات مندرج در این دو مجلد، صدها مقاله برای دانشنامه‌ها از جمله: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه ایران، دانشنامه ادب فارسی، دانشنامه جهان اسلام و چند دایرةالمعارف دیگر نوشته، خصوصاً برای فرهنگ آثار ایرانی - اسلامی تاکنون تردید به سبب مقاله تألیف کرده که قسمت عمده آن‌ها در سه جلد این اثر به چاپ رسیده است. امید است توفیقی به دست آید و مقالات دانشنامه‌ها نیز در مجلداتی جداگانه گردآوری و انتشار یابد.

تهران - ۱۰ بهمن ۱۳۹۱

سیدعلی آل‌داود

بخش اول

تحقیقات ادبی و متن‌شناسی

قصیده ابوالمفاخر رازی

منسوب به امام فخر رازی^۱

در برخی تذکره‌ها و جُنگ‌ها اعم از خطی یا چاپی، ابیاتی از یک قصیده نونیه مندرج است و بیشتر گردآورندگان و نگارندگان این آثار، آن را در شمار سروده‌های فارسی امام‌فخر رازی [۵۴۴ - ۶۰۶ هـ ق / ۱۱۴۹ - ۱۲۰۹ م.] برشمرده‌اند. حتی در شروح متعددی که بر قصیده مذکور نوشته شده است همه بدون استثنا سراینده قصیده را فخر رازی دانسته و از گوینده اصلی، یعنی ابوالمفاخر رازی، که تقریباً از هم‌عصران فخر رازی و از نخستین شاعران شیعی زبان فارسی است، نامی به میان نیاورده‌اند.

قصیده مذکور از جمله اشعار هنرمندانه زبان فارسی و حاوی صنایع بدیعی و تشبیهات فراوان است و در انتها با ابیاتی در مدح امام علی بن موسی الرضا (ع) پایان می‌یابد. متن قصیده تاکنون در دسترس اهل تحقیق نبوده و همه، حتی تذکره‌نویسان ادوار پیش، تصور می‌کردند که صورت کامل آن از میان رفته است و از این رو به نقل پاره‌ای ابیات آن اکتفا کرده بودند.

نگارنده این سطور، برحسب تصادف، متن کامل این قصیده و جوابیه خواجوی کرمانی به آن را ضمن یک مجموعه خطی در کتابخانه مجلس به دست آورد. پیش از نقل کامل این قصیده، نخست جُنگ مزبور را معرفی می‌کنم و سپس به ذکر آگاهی‌های اندکی که از زندگی ابوالمفاخر به دست آمده است می‌پردازم.

مجموعه خطی یادشده هم‌اکنون در کتابخانه مجلس جزو کتب اهدایی سرلشکر فیروز تحت شماره ۱۹۳ نگهداری می‌شود و شامل چند بخش از اشعار سنایی است که آن را کاتبی به نام غلامرضا افشار ارومی در سال ۷۵۲ هـ ق به خط نستعلیق زیبایی کتابت کرده و صفحه اول آن دارای یک سرلوح زیبا و مذهب و بقیه صفحات مجداول و نسخه بسیار مضبوط و قابل توجهی

است. این مجموعه شامل بخش‌های زیر است: ۱. دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات سنایی [از صفحه ۲ تا ۵۵۵]. ۲. مثنوی سیرالعباد الی المعاد [از صفحه ۵۵۲ تا ۶۱۵]. ۳. مثنوی کارنامه بلخ سنایی [از صفحه ۶۱۶ تا ۶۴۹]. ۴. حدیقه الحقیقه سنایی [از صفحه آغاز تا پایان در حواشی صفحات]. ۵. قصیده ابوالمفاخر رازی، که در نسخه نام امام فخر رازی آمده [از صفحه ۶۱۶ تا ۶۲۱]. ۶. قصیده خواجوی کرمانی در پاسخ به شعر ابوالمفاخر [از ص ۶۲۱ تا ۶۲۵]. ۷. صفحات پایانی مجموعه ادامه حدیقه سنایی است.

این قصیده را کاتب نسخه همانند دیگر تذکره‌نویسان به امام فخر رازی منسوب داشته و در عنوان بالای صفحه نام او را آورده، لیکن در بیت مقطع و محل تخلص نام «فاخر رازی» ذکر شده است. قصیده خواجوی کرمانی نیز به اقتضای منظومه ابوالمفاخر و در پاسخ بدان است و در دیوان چاپی او هم با تفاوت‌های اندکی درج شده است. پس از بررسی و تحقیق معلوم شد که انتساب این شعر به امام فخر درست نیست، بلکه گوینده آن ابوالمفاخر رازی از شاعران شیعی مذهب سده ششم و از معاصران سلطان غیاث‌الدین محمد بن ملک‌شاه سلجوقی [حکومت در ۴۹۸ الی ۵۱۱ هـ ق / ۱۱۰۴ تا ۱۱۱۷ م.] و فرزندش سلطان مسعود سلجوقی است. دیوان او و بخش بیشتر اشعارش از میان رفته است و به‌جز قصیده «نونیه» یاد شده تنها یک قطعه و چند بیت متفرق از او در دست است و از این رو نویسندگان تاریخ ادبیات علی‌رغم اهمیت او، از ذکر شرح حال و آوردن نمونه آثارش غفلت کرده‌اند. در باب او اطلاعات مختصری در تذکره‌ها درج شده است که براساس همین آگاهی‌های اندک نخست به ذکر احوالش می‌پردازیم.

زندگی‌نامه ابوالمفاخر رازی

ابوالمفاخر رازی که گاه فاخر و برخی اوقات ابوالمفاخر تخلص می‌کرده، چنان‌که گفتیم، شاعری شیعه مذهب و از معاصران سلطان محمد سلجوقی است و در شهر ری روزگار به سر برده است. او ادیبی فاضل و شاعری برجسته بود و در انواع دانش‌های رایج تبحر داشت. با برخی شاعران دیگر ری چون ابوالمعالی نحاس رازی و منجیک معاصر بود. اینان همه به دربار سلطان محمد منتسب بودند. هرچند بعضی از تذکره‌نویسان نام و نمونه شعر ابوالمفاخر را در آثار خود مندرج کرده‌اند، لیکن کامل‌ترین مطلب را در باب او دولت‌شاه سمرقندی آورده و صاحب مجالس المؤمنین عین آن را به تمامی نقل کرده است.

از حوادث زندگی او واقعه نزول لشکریان سلطان مسعود سلجوقی هنگام لشکرکشی به مازندران در شهر ری بود. دولت‌شاه به نقل ابوطاهر خاتونی در تاریخ آل سلجوق به ذکر این حادثه پرداخته است و می‌گوید لشکریان سلطان خسارت بسیار به کشاورزان و ساکنان اطراف شهر وارد

ساختند و کسی را یارای مقابله با آنان نبود. ناگزیر ابوالمفاخر قطعه‌ای سرود و آن را برای سلطان فرستاد و سلطان پس از دریافت آن، لشکریان خود را از آزار روستاییان و تخریب محصولات آنان سخت برحذر داشت. این قطعه چنین است:

ای خسروی که سایس حکم تو بر فلک	برتر ز طاق طارم کیوان نشسته است
لطفت به آستین کرم پاک می‌کند	گردی که بر صقیفه دوران نشسته است
بر تخت ری تو ساکن و از حکم نافذت	در ملک چین به مرتبه خاقان نشسته است
شاه سپاه تو که چو مورند و چون ملخ	بر گرد دخل و دانه دهقان نشسته است
باران عدل بار که این خاک سال‌هاست	تا بر امید وعده باران نشسته است ^۱

از احوال ابوالمفاخر بیش از این اطلاعی در دست نیست. تذکره‌نویسان دیگر بیشتر به تکرار گفته‌های دولتشاه سمرقندی اکتفا می‌کنند و مطلب تازه‌ای به آورده‌های او نمی‌افزایند. از ابوالمفاخر رازی همچون شعرای دیگر ری: منصور منطقی، غضایری رازی و شمس رازی، اشعار اندکی در دست است.

اثر مشهور و برجسته او قصیده یاد شده «نونیه» است که تمام آن فعلاً موجود است؛ شاعر در انتهای قصیده به مدح امام رضا (ع) پرداخته و تشیع خود را ثابت کرده است. جز این قصیده و قطعه یادشده از ابوالمفاخر چند بیت منفرد متفرق نیز در دست است. دیوان او را حتی تذکره‌نویسان ادوار سابق از میان‌رفته دانسته‌اند. چنان‌که صاحب تذکره خیرالبیان و رضاقلی‌خان هدایت صریحاً گفته‌اند که دیوان او در دست نیست و از اشعار وی اندکی برجای مانده است. ابیات زیر را صاحب خیرالبیان از او نقل کرده است:

چنان ضعیف و نزارم که گربه دیده مور	چو مور دم نبود مور را ز من آزار
و گر به پای یکی مور در زخم دست	چو موی گرد جهانم برآورد صدار ^۲

شهرت اصلی ابوالمفاخر به سبب سرودن قصیده موصوف است. این قصیده مصنوع و متکلف مشتمل بر تشبیهات و صنایع معنوی و استعارات متعدد است و برخی آن را جزو امهات قصاید زبان فارسی و از جمله آثار هنرمندانه منظوم برشمرده‌اند. لیکن این قصیده، به‌رغم شهرت و به‌رغم فراوانی شروحاتی که بر آن نوشته‌اند، نه تنها تاکنون انتشار نیافته است، بلکه متن کامل آن در مجموعه‌های خطی نیز شناسایی نشده بود. هدایت در مجمع‌الفصحی سیزده بیت و قاضی نورالله شوشتری در مجالس‌المومنین سی‌وشش بیت آن را نقل کرده‌اند، لیکن متن کامل آن نخستین بار

۱. عوفی ابیاتی از این قطعه را به نام امام جلال‌الدین فضل‌خوار ضبط کرده و گفته است که جلال‌الدین خوارى در وقت ورود لشکر تکش خوارزمشاه به ری و خرابی لشکر این شعر را برای سلطان فرستاد (الباب/الباب، ج ۱، ص ۲۷۶ - ۲۷۸). علامه قزوینی که بر لباب حواشی مفصل نگاشته است، ضمن یادآوری قطعه ابوالمفاخر، گوید: چنانچه اشعار وی در قصیده جلال خوارى از باب سرقت نباشد، توارد غریبی است. (همان کتاب، ص ۳۶۱).

۲. خیرالبیان، نسخه خطی شماره ۹۲۳ کتابخانه مجلس، ص ۵۳.

است که انتشار می‌یابد.

اینک متن کامل قصیده را بر مبنای نسخه موجود خطی، یعنی مجموعه شماره ۱۹۳ کتابخانه مجلس اهدایی فیروز، نقل می‌کنیم. ضمناً اشعار موجود در نسخه ملی و *مجالس المؤمنین* و *مجمع الفصحی* با ضبط این مجموعه مقایسه شده و موارد اختلاف در حاشیه درج شده است.

قصیده ابوالمفاخر رازی^۱

اشک زلیخا بریخت یوسف گل پیرهن
کرد برون مار صبح، مهره مهر از دهن
چون نفس جبرئیل از گلوی اهرمن
دود فرو شست پاک، تیغ شعاع از مسن^۲
در بن طاسی دو مرد،^۴ در سر نعشی سه زن^۵
ران قریب جمل دوخته بر بابزن
چاک نزد پرنیان بر تن نازک پرن
زلف بنفشه برست از گلوی یاسمن
جرم زحل چون دخان، دور قمر چون لگن
دولت کیوان ببر، ذلّو تهی بی‌رسن
از شفق برهمان^۷ روز افق برهمن
نایژه^۸ فرقدان در چه هامون شطن^۹
منشی غم را دبیر در شطوی خامه‌زن
در کمر توأمان یافته دُر عدن
وز لب چون ناردان آمده در نارون
ساقی‌اش از آبدان مطربش از بادخن
کزدم چوب پشن رسته دو افعی ز تن
ششتری مشتری مطرح تخت پشن

بال مرصع بسوخت مرغ ملمع بدن
صفحه صندوق چرخ، گشت نگون‌سار باز
صبح برآمد ز کوه، دامن اطلس‌کشان
شعله خاور گرفت در سر کبریت دود
دوش دگرباره داشت^۳ طارم نیلوفری
کوهه دستان شور ساخته در مجمره
تا یزک باد صبح دست به یغما نبرد
چون تف آتش فتاد از کف مغرب در آن^۶
چرخ چو پروانه بود، قطب چو شمع از قیاس
صولت بهرام رام مهر شاهی در نگین
ناخنک جوشنی در بر بهرام شب
دایره ازدها بر تن گردون کمند
قاضی شب را سواد در فرج از حله‌باف
خامه تیر از کمان بهر نظام زمان
دختر اوج ارغون آمده در ارغنون^{۱۰}
عیش نو آراسته بزنگه لطف را
ماهی چون پیل‌تن، گشت پلنگینه پوش
نور چراغ سهیل گوهر تاج قباد

۱. عنوان در اصل نسخه خطی مجلس چنین است: «قصیده شیخ فخرالدین رازی علیه الرحمه و الغفران».

۲. مسن: سنگی است که روی آن کارد و مانند آن را صیقل می‌کنند. ملی: دوده فروشست پاک دور شعاع زین.

۳. *مجالس المؤمنین*: دگرگونه داد.

۴. ملی: در تک طاسی دو فرد بر.

۵. *مجالس*: بر سر نعشی دو زن.

۶. ملی: آب.

۷. ملی: بهرمان.

۸. ملی: نایره.

۹. ریسمان دراز.

۱۰. ملی: اختر اوج ارغوان آمده در زعفران.

بزم صبوح ذوق نفیس عرن^۱
 گنبد خضرا به وصف هم صدف و هم گهر
 جسم شب تیره را هم برص و هم جذام
 در نظر مردمک چون تهره زاری سپهر
 پیرهن^۲ آسمان راست چنان طوطی ای
 بر فلک و بر هوا ریخته و بیخته
 زهره چو خاتون خلد^۳ خنده زنان در نقاب
 مهر به خوناب گرم غرقه شده چون حسین
 روی ره کهکشان جاده^۴ او کوفته
 چون ز شب اندر گذشت قرب دوساعت به روز
 خوشه^۵ پروین نهاد توشه در انبان دل
 برد مرا بازی تا سر^۶ هنجار طوس
 زنگی لفجه^۷ قوی، ترک میانی شگرف
 تافته و بافته گیسوی دنبال او
 کشتی دریای خاک لنگر بیت سواک
 در خم چوگان صنع گویی و بر بوده گوی
 کرده ز خارا خمیر همچو امیر غدیر^۸
 آب تک بادپا پنبه کش دانه خا

شوق نسیم صبا^۹ بوی اویس قرن
 قامت جوزا به شکل هم صنم و هم شمن^{۱۰}
 چشم مه^{۱۱} خیره را هم سبل و هم وسن
 روشنیش کوکنار تیرگیش پر پهن^{۱۲}
 کز طرب بچگان باز کند بر پهن^{۱۳}
 لؤلؤ لالا به کیل عنبر سارا به من
 ماه چون طاوس نر^{۱۴} جلوه کنان در چمن
 صبح به الماس زهر^{۱۵} کشته شده چون حسن
 از لب دریای چین تا در شهر یمن
 پیک ثریا نمود راه خراسان به من
 تحفه^{۱۶} آن گوشه^{۱۷} را بی گره و بی شکن
 راست روی چون صراط راهبری چون لخن^{۱۸}
 گردن او چون کمان قبضه او چون مجن
 آن به حریر خطا در زی سوزن شکن^{۱۹}
 در جبل^{۲۰} و در مفاک خار خور و خارکن
 هیکلش از بیستون هیئتش از کرگدن
 وز کف او پر فطیر پشت تنور دمن
 گل طلب خار دوست گرگ تک پیل تن^{۲۱}

۱. ملی: ذوق نسیم عرب.

۲. ملی: مسا.

۳. ملی: ثمن.

۴. ملی: شب.

۵. پرپهن: خرفه.

۶. ملی: پرپهن.

۷. کذا فی الاصل.

۸. مجمع الفصح: خاتون صبح.

۹. مجمع الفصح: طاوس مست

۱۰. الماس قهر.

۱۱. مجمع الفصح: روی زه کهکشان جاده ای کوفته.

۱۲. ملی: خوشه.

۱۳. مجمع الفصح: بر سر.

۱۴. سرعت فهم و ذهن قوی. مجمع الفصح: راه بری چون صراط، راه روی چون سخن.

۱۵. ملی: تفج.

۱۶. چون به حریر خطا درزی سوزن سمن.

۱۷. مجمع الفصح: از سبل و از مفاک.

۱۸. مجمع الفصح: امیر کبیر.

۱۹. این بیت در مجمع الفصح چنین است:

آب تکی بادپای پره زن دانه خای

گل طلب خار دوست کرگدن گرگ تن

باد وزان در کنام خاک گران در عطن
 بوقلمون دلش از کسل و از شسجن
 کرده‌اش اندر جواب قایمه‌های بدن^۲
 نادره‌ای چون مراد بوالعجبی چون سخن
 چون مه مشکین عذار چون بت سیمین ذقن
 عشق مدیح رضا بسته چو بر^۳ خویشتن
 یارۀ نفس رسول چارۀ کرب و حزن
 کعبۀ دور از دیار عید بعید از وطن
 از نمک امتحان وز جگر ممّتحن
 کرده ستم‌های سخت در خطواتش^۴ دمن
 هم در جاتش رفیع هم حرکاتش حسن
 فاسد^۵ بدگوهرش زنده ولی در کفن
 زاهد افلاک را حضرت پاکش^۶ سکن
 داده ز پستان غیب بر در بستان لب
 نان دل و قوت جسم^۷ با نمک ذوالمنن
 پیش ذهب در ذهاب چون بفزودش ثمن^۸
 زردۀ زرہا بماند چون خر نر در لجن
 درد من از داغ کیست چون تو نداری برن^۹
 تهمت آلوده را دُردی فانی است دن
 نام الهی است حشو سوی خرد بر وثن
 چشمۀ ابروی او بر گذر انجمن

نار روان بر فراز آب دوان در نشیب^۱
 شسته به صابون دوش باقی اشنان چاشت
 روغنش اندر چراغ^۲ تعیبه‌های کتف
 نیک رفیقی چو عمر، خوب حریفی چو جان
 لقمۀ اندام حرب خرقۀ آرام ضرب
 مقررۀ اقتدا^۳ داده سر اندر قضا
 سایۀ نور^۴ خدا پایۀ فرهما^۵
 شہ رخ مات از نفاق بدر هلال از محاق
 درهمی انگیزخته مرهمی آمیخته
 خورده جگرهای خوش در خلواتش^۶ زمین
 هم خلواتش حریم هم خلواتش کریم
 حاسد شوم اخترش مرده ولی در عذاب
 شاهد لولاک را روضۀ پاکش سکون
 مادر برهان او کودک انگسور را
 در صف میدان حرب جمجمۀ مرکبش
 قنبر آنم که گفت قصۀ او فصل‌ها
 سیمش چو نقره خنک راند به میدان فقر
 راست‌نشین کج مگو داد حدیثی بده
 عصمت پالوده را روشن و باقی^۷ است جان^۸
 اسم^۹ تباهی است ظلم نزد هنر بر امام
 او به لب کوثر است چشمه از آنجا گشاد

۱. تار نوان در فراز ابروان در نشیب، متن خطی، اصل از مجمع/الفصحی.

۲. ملی: جوال.

۳. ملی: چرا قائمه از بدن.

۴. مجالس المؤمنین: اقتفا.

۵. متن از ملی.

۶. مجالس: ذات.

۷. ملی: سایۀ ذات خدای پایۀ فرهای.

۸. ملی: بر خطواتش.

۹. ملی: بر خلواتش.

۱۰. ملی: قاصد.

۱۱. مجلس: خاکش. متن از ملی.

۱۲. متن از ملی.

۱۳. ملی: پیش ذلیب از ذهاب تا بستاند ثمن.

۱۴. متن از ملی: مجلس: درن.

۱۵. مجالس: صافی است جام.

۱۶. ملی: عصمت پالوده را روشن و صافیش جام.

۱۷. مجالس: بیم.

ابروی طاقش چراست جفت گره چون زره
 آه چه معنی به حبب بسته سفال از عنب
 سلسله معجزش داشت به زنجیر رنگ
 حوصله دشمنش حاصل حجت نداشت
 ای شده چون عقل و روح لقمه انواع علم^۱
 کرده بر انواع جنس فاتحه نام تو
 نیست ابد را به حکم^۲ بر تو روان هیچ حکم
 کاسه گر سدره^۳ را نغمه نعت شماست
 هر که دمی با شما رطل گران درکشید^۴
 عطسه آدم شبی با تو درآمیخت زار^۵
 تا به تو قربت نجست وز تو عنایت نخاست
 خصمک فیما مَضی ان قضا قِسمه^۶
 گفت «مفاخر» بخوان تا که تفاخر کنی^۷
 «فاخر رازی» بگفت بعد چهل سال این

لاله لعلش ز چیست رخ همه چین در سفن
 یارب تو گویی چه خواست بید تر از نسترن
 بالش نیرنگ را ضیغم دشمن فکن
 خارش نرمادگی تازه شدش چون زغن
 وی شده چون جد و باب طعمه ارباب ظن^۸
 آهن و فولاد موم ز آتش سوزان سمن^۹
 نیست ازل را به قطع^{۱۰} از تو نهان هیچ فن
 لحن خوش و راه راست هر سحری پرفتن
 دیده عمرش^{۱۱} ندید دل به بلا مرتهن
 مغزش از آن غنچه کرد غنچ نگار ختن
 افعی چوبین نکرد صاحب سلوی و من
 ینقسم الله منه دونک لاتعجلن^{۱۲}
 مفتعلن فاعلات مفتعلن فاعلن
 پیر نگشته جوان از کرم ذوالمنن

شرح قصیده و استقبال از آن

بر این قصیده شروح متعدد و مهمی نوشته شده است. این رسالات تاکنون چاپ نشده، ولی در فهرس نسخ خطی معرفی شده‌اند. در اینجا به معرفی و توصیف سه رساله مهم‌تر اکتفا می‌شود:

اول: شرح شروانی: عبداللطیف شروانی معروف به افلاطون مفصل‌ترین شرح این قصیده را نگاشته و بر رساله خود نام «حل ماینحل» نهاده است. او اثر خود را در سال ۹۵۶ هـ ق/ ۱۵۴۹م به سفارش ناشناسی به نام «حسن آقا» به پایان رساند. شروانی همچون تذکره‌نویسان و کسان دیگر، سراینده قصیده را امام فخر رازی دانسته و همه‌جا از وی نام برده است. او به دنبال شرح این منظومه گزارشی درباره برخی از سروده‌های حافظ، امیرخسرو دهلوی، امیر شاهی سبزواری،

۱. ملی: نقل.

۲. مجالس: طعن.

۳. متن از ملی.

۴. مجالس: عدل.

۵. مجالس: به فضل.

۶. ملی: آخر این سدره را.

۷. ملی: نوش کرد.

۸. ملی: عقلش.

۹. ملی: با تو برآمیخت از عطسه آدم شبی.

۱۰. دشمن تو در گذشته این بوده که قضا قسمت است. قسمت می‌دهد خداوند از آن نزدیک است به تو، عجله مکن.

۱۱. مجالس: معنی بیتش بدان.

کمال خجندی و سلمان ساوجی ارائه کرده است. سبک نگارش مقدمه این رساله پرتکلف و با تعقید است لیکن انشای متن هموار و آسان است.
رساله حل ماینحل این گونه آغاز می‌شود:

آن خالق اشیا که جهان مجمل از اوست در هر ره و رسم آخر و اول از اوست
زو مشکل عشاق به پایان آمد در دفتر عشق حل ماینحل از اوست

داورا، ودودا، از درد دل و روی زرد در راه ادراک و ارادت زاری دوری دارم و مذلت گوناگونم
ترحم فرمای که با تن لاغر بدین گونه با توکل ما با چه باشیم... به شرح نوشتن بر تصحیح
معانی قصیده مشهور... فخرالدین الرازی... القصه فقیر حقیر و از مشقت روزگار دلگیر، نظم:

ساکن کوی عجز و نادانی بنده عبداللطیف شروانی
که بود مشتهر به افلاطون نه در او دانش و نه علم و فنون

و سطور پایانی این رساله چنین است:

ز غیبت از پی آخر این مقال «خموشی» بجو گشت تاریخ سال

عالم غیب الفاظ «خموشی» [۹۵۶] همچو تاریخ حال و مقال آمد. و بالله التوفیق فی کل
حین و طریق به اتمام پذیرفت اشعارهای مشکله امام فخر رازی...

از شرح شروانی چند نسخه خطی به این شرح در کتابخانه‌ها بر جای مانده است:

۱. نسخه شماره ۶۶۸ ف کتابخانه ملی. این نسخه به خط عبدالکریم نامی است و آن را در سال ۱۲۲۴ هـ ق به خط نستعلیق کتابت کرده و ۸۷ برگ دارد. فهرست‌نگار کتابخانه ملی، به تبع مؤلف این قصیده را از آثار امام فخر به‌شمار آورده است. متن قصیده در این نسخه ۶۳ بیت است و ترتیب قرار گرفتن ابیات آن با نسخه مجلس به کلی متفاوت است و دو بیت آخر که متضمن تخلص شاعر است از آن حذف گردیده است.

۲. نسخه شماره ۹۴۵/۲ کتابخانه آستان قدس. در فهرست آنجا مؤلف را «خموشی» دانسته‌اند.

۳. نسخه شماره ۴۵۲۵ آستان قدس، میکروفیلم آن به شماره ۲۱۰۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است.

۴. شماره ۲۶۴۰ کتابخانه ملی ملک. این نسخه ۴۴ برگ دارد و در قرن سیزدهم به خط نستعلیق کتابت شده است.

۵. نسخه شماره ۵۴۸ کتابخانه ملک. این نسخه جزء مجموعه‌ای است که همه آن از آثار عبداللطیف شروانی است. در اینجا نیز قصیده ۶۳ بیت دارد و فاقد بیت‌های پایانی است. این نسخه به خط شکسته نستعلیق کتابت شده است.

۶ نسخه شماره ۲۷۷/۵ کتابخانه خصوصی دکتر مفتاح، مورخ ۱۲۸۲ ه ق
 ۷. نسخه شماره ۴۲۳۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه. در فهرست کتابخانه آن را از سروده‌های امام
 فخر شمرده‌اند. این نسخه نسبتاً کامل است و در ۱۲۸۴ ه ق به خط شکسته کتابت شده است.
 دوم: شرح قصیده از مؤلفی ناشناس: مؤلف این شرح که دو نسخه خطی از آن در دست است فعلاً
 شناخته نیست. مؤلف سراینده را امام فخر پنداشته و در مقدمه چنین می‌آورد: «شرح قصیده فخرالدین
 رازی که در مدح امام معصوم گفته: بال مرصع بسوخت، مرغ ملمع بدن...» و پایان آن چنین است: «...
 و مقصود از این بیت آن بود که در این صفحه تسوید شد.» از این شرح نسخه‌های زیر در دست است:
 ۱. دست‌نویس شماره ۴۶۷۱ کتابخانه ملی ملک.

۲. دست‌نویس شماره ۸۳/۱ کتابخانه دکتر مفتاح که در شعبان ۱۳۰۳ نگاشته شده است. این
 شرح ظاهراً مختصر و حاوی چند برگ است.

سوم: شرح لسان الاطباء: حسن بن میرزا علی طبیب، متخلص به خفایی و حکیم و مشهور به
 لسان الاطباء، از دانشمندان سده سیزدهم نیز شرحی بر این قصیده نوشته و آن را ضمن جنگی
 از آثارش که به خط خود کتابت کرده آورده است. این جنگ هم‌اکنون ذیل شماره ۴۰۸۵ در
 کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مضبوط است و در بین سال‌های ۱۲۹۷ الی ۱۳۱۱ ه ق کتابت
 شده است.

مؤلف در این شرح که در صفحات ۱۷۴ الی ۱۹۸ جنگ مذکور آمده سراینده این قصیده را
 به‌رغم دیگران «فخرالقضات رازی» معرفی کرده است. رساله او چنین آغاز می‌شود: «بسمله: بال
 مرصع گشاد مرغ ملمع بدن... بال مرصع افق شرقی را می‌خوانند.» این رساله چنین پایان می‌یابد:

قاضی رازی بگفت بعد چهل سال این	پیر نگشته هوا از کرم ذوالمنن
بحر مفاخر بخوان تا که تفاخر کنی	مفتعلن فاعلات مفتعلن فاعلن

قصیده خواجوی کرمانی در اقتضای ابوالمفاخر

شعر ابوالمفاخر رازی را گروهی از شاعران استقبال کرده و به وزن و قافیه آن اشعاری
 سروده‌اند، اما ظاهراً قصیده خواجوی کرمانی شاعر اوایل قرن هشتم از همه مشهورتر است.
 خواجو در ۲۰ ذیحجه ۶۸۹ ه ق / ۲۶ دسامبر ۱۲۹۰ م. متولد شده و به‌طوری‌که از برخی اشعار او
 استنباط می‌شود بر مذهب شیعه بوده، لیکن در سروده‌هایش ستایش خلفای راشدین نیز دیده
 می‌شود. مرگ او محتملاً در سال ۷۵۳ ه ق / ۱۳۵۲ م. روی داده و بهترین چاپ دیوان اشعارش
 به کوشش روان شاد احمد سهیلی خوانساری منتشر شده است. در اینجا ابیاتی از قصیده خواجو را
 از جنگ شماره ۱۹۳ مجلس نقل و تفاوت آن را با دیوان چاپ‌شده وی ذکر می‌کنیم، لیکن چون

تمام منظومه در دیوان وی آمده از نقل همه آن خودداری می‌شود:

اشک ملمّع فشاند شمع مَرّصع لگن	قوطه رز چاک کرد ^۲ لعبت سیمین بدن
داغ گلستان بماند در دل زاغ و زغن	دانه گاورس چید، باز سفید ^۳ سحر
گلرخ بستان فروز، گشت چمان در چمن	طایر طاوس بال، کرد نشیمن به باغ
حقّه فیروزه ^۴ گشت رشک عقیق یمن	طارم شش‌روزه شد رشک ریاض بهشت
چون ز تف تیغ گبو قلب سپاه پشن ^۵	ز آتش خور بر فروخت عرصه میدان چرخ
داد زر مغربی دُر ثمین را ثمن	جوهری چرخ چون لؤلؤ لا لا خرید

منابع

- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، *الذریعه الى تصانیف الشیعه*، بیروت، دارالاضواء جلد ۹، ۵۰/ ۷۹۹.
- افشار، ایرج و محمد تقی دانش‌پژوه، *فهرست کتابخانه ملی ملک*، تهران، ج ۲/ ۲۱۸، ۲۱۹؛ ج ۵/ ۷۲؛ ج ۸/ ۱.
- انوار، سید عبدالله، *فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی*، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۴۷، ج ۲/ ۱۶۹ - ۱۷۰.
- خایری، عبدالحسین، *فهرست کتابخانه مجلس*، تهران، کتابخانه، ۱۳۵۷، ج ۲۱ [مجموعه اهدایی فیروز]، ص ۲۶۵ - ۲۶۶.
- خواجوی کرمانی، *دیوان اشعار*، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، کتابفروشی بارانی، ۱۳۳۶، مقدمه و ص ۱۰۱ - ۱۰۵.
- خیامپور، عبدالرسول، *فرهنگ سخنوران*، تبریز، ۱۳۴۰، ص ۲۴، ۴۲۵.
- دانش‌پژوه، محمد تقی، *فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، تهران، دانشگاه، ۱۳۴۰، ج ۱۳/ ۳۰۶۳ - ۳۰۶۶، ۳۰۷ - ۳۲۰۸.
- _____، *فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، ۱۳۴۰، ج ۱/ ۶۴۴.
- دولتشاه سمرقندی، *تذکره‌الاشعرا*، به کوشش محمد رمضانی، تهران، کلاله خاور، ۱۳۳۸، ص ۶۱ - ۶۳.
- سیستانی، شاه حسین بن ملک غیاث‌الدین محمود بهاری، *تذکره خیرالبیان* [تألیف در ۱۰۱۶ هـ ق] نسخه خطی شماره ۹۲۳ کتابخانه مجلس.
- شوشتری، قاضی نورالله، *مجالس المومنین*، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۷۶، ج ۲/ ۶۱۴ - ۶۱۶.
- عوفی، نورالدین محمد، *لباب‌الالباب*، به تصحیح ادوارد براون و علامه قزوینی، به کوشش محمد عباسی، تهران، فخر رازی، ۱۳۶۱، ج ۱/ ۲۷۷، ۲۷۸، ۳۶۱.
- مجموعه خطی کتابخانه مجلس، به شماره ۱۹۳، صفحات ۶۱۶ الی ۶۲۵. متضمن قصاید ابوالمفاخر و خواجوی کرمانی.
- منزوی، احمد، *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*، تهران مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۵۱، ج ۲/ ۱۲۴۵، ج ۵/ ۳۴۴۶ - ۳۴۴۷، ۳۴۸۸.
- نفیسی، سعید، *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی*، تهران، فروغی، ۱۳۴۴، ج ۱/ ۸۵، ۴۰۳.
- هدایت، رضاقلی خان، *مجمع‌الفصحاء*، به کوشش دکتر مظاهر مصفا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۹، جلد ۳/ ۹۳۶.

۱. عنوان قصیده در مجموعه خطی مجلس چنین است: «این قصیده خواجوی کرمانی در جواب شیخ فخرالدین رازی گفته».

۲. چاپی: زد.

۳. چاپی: سپید.

۴. چاپی: پیروزه.

۵. چاپی: درج.

۶. این بیت در جنگ خطی مجلس نیست.

چشم از ارقام بدخشم ناما کرد و کلکش بر چشم چارچو
 یار را تفرقه نماکرده زمار ناما روم انکه در این بیت قصه
 تقدیم و تاخیر بسیار بود چنان که ایاتی که در صفت
 صبح است بهلوی ایات بصر و صفت ناله نوشته
 بودند و آنچه در تیرغیبت در ذیل اثبات امثال و
 حکایات در قسم مخفی القصه است سخنان ما از هر چه فراموش
 آورده بهلوی قسم شایان معانی را جای داده و صفا
 ایشان را از تهته ساخت و مجموع را که چون برگ خزان
 بر نظر فتنهستان از مده باد کائنات غلط نویسی برین
 و ابتر بود و فراموش نمود و در نظر عاشقان آن را بر
 روی برز و دل پرورد نمود و غلطهای این طبقه که حیوان

کاینک ملک روز محشر عتسند بعد از امکان اصل کج کهم
 از رزوح دیر پیغم ان امام و عالم ربانی استه های قض
 می نماید و پرده حجاب از آفتاب معانی بدستباری
 غامه می قضیده فخر الدین راز برتر از الله کث یه

بال مرصع بوست مرغ طمع بدن

اشک ز اینجا بر بخت یوسف کلهر من

صفحه صد و پنج گشت نکونار باز

کرد برون باد صبح مهر مهر از دهن

شعله خاور گرفت از سر کبریت دود

دوده فرو بست پاک دور شام زین

صبح برآمد ز کوه دامن طلبش کنان

فهرست توصیفی مقالات جشن‌نامه‌ها و یادنامه‌ها^۱

نخستین بار مجموعه مقالات پژوهشی و تحقیقی در حوزه مطالعات ایرانی، تاریخ و ادبیات سرزمین ایران با همت و پیگیری استاد ایرج افشار تدوین و انتشار یافت. جلد اول آن در سال ۱۳۴۰ش در انتشارات دانشگاه تهران به طبع رسید و از آن پس پنج مجلد دیگر که متضمن مقالات نشریات جدی زبان فارسی است به تفاریق انتشار یافته، در این شش مجلد اکثر قریب به اتفاق مندرجات مطبوعات و مجلات فارسی زبان ایران و سایر کشورها تا سال ۱۳۷۶ش معرفی شده است، هرچند در تألیف استاد افشار مندرجات تعدادی از مجموعه‌ها و یادنامه‌ها نیز وارد گردیده و معرفی شده، لیکن تعداد این قبیل مجموعه‌ها فراوان است و طبعاً ضرورتی به ادغام مطالب مندرج در آن‌ها در فهرست مقالات فارسی نبوده است.

اکنون محقق پرکار و صاحب‌نظر، محمد گلبن، با همکاری احمد شکیب‌آذر، به این مهم دست یازیده و در نوبت اول سیصد مجلد از یادنامه‌ها و جشن‌نامه‌ها و کتاب‌های مشابه و خلاصه کلیه آثاری را که به‌منظور بزرگداشت و یادبود بزرگان فرهنگ ایران فراهم آمده بررسی و در سه مجلد ۷۱۴۱ مقاله مندرج در آن‌ها را معرفی و خلاصه‌نویسی کرده است. روش مؤلفان چنین است که نخست نشانی دقیق اثر، نام گردآورنده و سال چاپ، نام نشریه، شماره و سال و صفحه آن را به دست داده و سپس محتوای هر مقاله را ضمن چند سطر خلاصه کرده‌اند تا خواننده اولاً رهنمایی شود که مقاله در چه مقوله‌ای است و به چه نکاتی توجه شده و ثانیاً اگر به اصل آن دست نیابند، باری بر مباحث کلی آن آگاهی پیدا کنند. روش خوبی است و محققان و پژوهشگرانی که می‌خواهند در باب موضوعی به تحقیق بپردازند، نخست بر خلاصه‌ها وقوف پیدا کرده و چنانچه

۱. گزارش میراث، دوره دوم، سال دوم، شماره ۱۹ و ۲۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷، صص ۳۸-۳۹. درباره کتاب فهرست توصیفی مقالات جشن‌نامه‌ها و یادنامه‌ها تألیف محمد گلبن و احمد شکیب‌آذر، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۵، سه جلد.

مطلبی مورد احتیاج آنان باشد به جستجوی اصل آن می‌پردازند.

طبق تحقیقاتی که مؤلفان انجام داده‌اند، اولین ویژه‌نامهٔ زبان فارسی را مجلهٔ *علوم اقتصادی و مالی* به‌مناسبت بزرگداشت علامه قزوینی به‌صورت ضمیمهٔ یکی از شماره‌های سال دوم نشریهٔ خود انتشار داده است. از آن پس *روزنامهٔ ایران* باستان به‌مناسبت هزارهٔ فردوسی، یادگارنامه‌ای تدوین و همراه دویست تصویر از شرکت‌کنندگان کنگرهٔ هزارهٔ فردوسی، در آلمان به طبع رساند. سومین و چهارمین مجموعه هم به‌مناسبت هزارهٔ فردوسی در سال ۱۳۱۴ش در هند و ایران انتشار پیدا کرد. منظور آن است که محمد گلبن با شوق و دلبستگی و با تجسس فراوان و با استفاده از مجموعهٔ شخصی کم‌نظیر خود، مجموعه‌های متعدد را معرفی و خلاصهٔ مقالات آن‌ها را به دست داده که امروزه بسیاری از آن‌ها در دسترس اهل تحقیق و پژوهش قرار ندارد، و حتی تعدادی از آن‌ها محتملاً در کتابخانه‌های بزرگ کشور چون کتابخانهٔ ملی، مجلس و دانشگاه هم موجود نیست و جوینده ناگزیر باید برای دستیابی به آن‌ها به مجموعهٔ شخصی استاد گلبن که هم‌اکنون در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود مراجعه نماید.

شیوهٔ تقسیم‌بندی کتاب براساس رده‌بندی دیویی و نظام گسترش یافتهٔ ایرانی آن است که کتابخانهٔ ملی آن را پیشنهاد داده است. به‌این ترتیب سرفصل‌های مندرجات سه جلد این کتاب بدین شرح است: کلیات، فلسفه و روان‌شناسی، دین، علوم اجتماعی، زبان، علوم خالص (نظری)، علوم کاربردی، هنر، ادبیات، تاریخ و جغرافیا، سرگذشت‌نامه‌های فردی، تصاویر و فهرست منابع و نمایه‌ها؛ و طبعاً هریک‌بخش به فصول کوتاه منقسم شده است.

لازم به ذکر است که چون مؤلفان تمامی مندرجات این مجموعه‌ها را شناسانده‌اند، گاه اثری در بین آن‌ها پیدا می‌شود که ارتباطی با ایران و موضوعات ایران‌شناسی ندارد ازجمله می‌توان به اثری از ژان پل سارتر اشاره کرد که در مجموعهٔ نقد آگاه درج شده است.

مشخصات کتاب‌ها و منابع مورد استفاده و یادنامه‌ها در پایان کتاب و پیش از شروع بخش نمایه‌ها آورده شده است، ای‌کاش این قسمت به اول کتاب و پس از مقدمه انتقال می‌یافت تا خوانندگان از همان ابتدا دریابند که مندرجات چه مجموعه‌هایی معرفی شده است. ذکر این کتاب‌ها به‌عنوان مآخذ چندان صحیح به‌نظر نمی‌رسد. ضمناً برخی از آن‌ها را نمی‌توان در شمار یادنامه‌ها و جشن‌ها محسوب کرد، چون: *احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی*، *احوال و آثار طبری*، *احوال و آثار میرعماد حسین*. به‌هرحال معرفی مقالات این نوع کتاب‌ها هم خالی از فوایدی نیست.

مؤلفان قول داده‌اند که فهرست بقیهٔ مجموعه‌ها را به‌تدریج در مجلدات دیگری معرفی نمایند. در اینجا صرفاً به چند اثر از این مقوله اشاره می‌شود که از دید آنان دور مانده و امید است در

مجلدات دیگر به آن‌ها نیز بپردازند.

۱. درخت معرفت، یادنامه دکتر زرین کوب، ۲. مهدوی‌نامه، جشن‌نامه دکتر یحیی مهدوی، ۳. یادنامه سالروز سادروان فضل‌الله شرقی، ۴. شرف‌نامه، یادنامه دکتر شرف خراسانی، ۵. نشریه تحقیقات اسلامی، یادنامه دکتر زریاب، ۶. سایه‌سار مهربانی، جشن‌نامه دکتر منصوره اتحادیه، ۷. ستوده‌نامه، جشن‌نامه دکتر منوچهر ستوده، ۸. نسخه خطی و فهرست‌نگاری در ایران، جشن‌نامه فرانسیس ریشار. جالب‌تر آنکه آقای گلبن فهرست مجموعه دو جلدی اردستان‌نامه تألیف خود را نیز در کتاب نیاورده است.

بخش آخر نمایه عام و مفصل کتاب است که در ۲۴۵ صفحه تدوین شده و ضمن آن نام مؤلفان و اشخاص، اماکن و کتاب‌ها آمده است. این فهرست مفصل کار استفاده از سه جلد کتاب فوق را آسان ساخته است. در این قسمت هم اشکالی به چشم آمد، و آن اینکه قبل از نام کتاب‌ها واژه «کتاب» در آغاز هریک اضافه شده و بدین ترتیب اسامی کلیه کتاب‌های مندرج در این کتاب به حرف «ک» انتقال پیدا کرده است. آرزومندیم مؤلفان گرامی هرچه زودتر پیگیر تدوین این فهرست گران‌قدر بوده و آن را برای استفاده بیشتر اهل کتاب و پژوهش به‌معرض انتشار درآورند.